

اقتصادی به دموکراسی نداشت، ظلم حمله و تهاجم اسکند، تاثیر تصدین ایران زمین روی

اسکندر و دیگر یونانیها به مراتب بیشتر از تأثیری بود که حمله اسکندر در ایران بوجود آورد. ارسطو که ششین سیاست‌سطره جهان است اسکندر بود، به او گفته بود که با یونانی‌ها چون "آزادگان" و با بربرها یعنی ایرانیان و غیر مثل "بردگان" رفتار کند. ولی اسکندر به نصیحت معلم جهانگشایی

خود گوش نداد و در تماس با ایرانیها چنان مجذوب رسوم، اشرف و دیگر افشارطبقات حاکمه شکست خورده ایران قرار گرفت که تصمیم گرفت برای بقای تسلط خود یک امپراطوری نیم ایران و نیم یونانی در سرزمین ایران بوجود آورد. بخش مهمی از طبقات حاکمه شکست خورده ایران نیز تن به انقیاد قوی داده و نهضت دولتی تحت سلطه سلوکیان بوجود آمد. درست است که اختلاط تصدیها و ازدواج

بین "ایمان" و "اشرف" زادگان ایرانی و یونانی رونق قابل ملاحظه‌ای در امور تجاری، پیشه‌وری شهرسازی، راه‌سازی و فلاحت و باغداری ایجاد کرده. به تکامل علم و هنر و فلسفه کمک کرد ولی توده‌های زحمتکش، بردگان و رعایای ایران، مورد ظلم و ستم فراوان قرار گرفتند. بطور کلی دوره تسلط سکویی‌ها بر ایران کوتاه بوده و در نتیجه صورت‌بندی اقتصادی و اجتماعی در این دوره چندان دست‌خوش تحول و دگرگونی قرار نگرفت. چنان‌گفته که این دوره یک مرحله گذار و موراژ میان‌مشیان به

اشکانیان بوده است. چون اکثر شهرنشینان شدیداً تحت تأثیر فرهنگ غالب یونانی بودند، در این دوره نماد بین شهرها و دهات و بین شهریان و دهاتی‌ها، که بیشتر بردگان و رعایای بی‌زمین را شامل می‌شدند و هنوز به آداب و رسوم ایرانی و دین زرتشتی پای بند بودند، زیادتر شد. این تضادها بالاخره منجر به ظهور و تکامل مبارزاتی شد که از دین آنها بعضی از اقوام اصیل شرق ایران (پارتها- اشکانیان) بر طبقه سلوکیان وابسته به یونان به نبرد برخاستند تا خود را اول از زیر سلطه سلوکیان و بعد از نفوذ خط و زبان یونانی و فرهنگ یونانی زندگی و هنر یونانی نجات دهند. این مبارزات بالاخره منجر به شکست سلوکیان و استقرار دولت‌های مستقل و غیر یونانی در سرزمین ایران گشت.<sup>۲۰</sup>

پارتها و رجعت به گذشته: رواج فنودالسم چسب مرکزی از ۲۵۰ قبل از میلاد تا ۲۲۸ بعد از میلاد

یکی از ظلم‌های یونانی پارتها (اشکانیان) حمایت اقوامی بود که سرزمین سلوکیهها سکونت داشتند. پارتها از اقوام ایرانی بوده و دارای رسوم و آداب ایرانی بودند. آنها به جهت استقلال خواهی و ایرانی‌تقدم به میدان نهادند و ایرانیان را که پایبند آداب و رسوم قومی بودند بسوی خود جلب

گردد . صنعت فلز قشری و معدود آداب یونانی در ایران اکثریت بوده مردم که دستدار سس  
 قوی خود بودند ، بسوی پارتها گرایش یافتند . پسر از روی کار آمدن اشکانیان ، اصول ملوک الطوائف  
 بهر از اسلام به منتهی درجه خود رسید . در ایران هفت خانواده بودند که طبقه فئودال بزرگ را  
 تشکیل میدادند . و هرگاه اراده میکردند رعایای خود را به هواداری یا برضد شاه و دولت مرکزی  
 برمی انگیزتند . جامعه اشکانی به جهت بزرگی های ایلاتی و عشیره ای بیشتر از هخامنشیان به  
 دموکراسی فئودال نزدیک بود . لذا اختیارات شاه محدود تر ، جهت نظامی و جنگی حکومت  
 قویتر ، و جهت تسامح مذهبی شدیدتر بود . این امر بطور مبینی ناشی از طب مایه تر بودن قبایل  
 پارتی نسبت به قبایل ماد و پارس بود که زودتر شهر نشین و متحد شده بودند . مابین این عقب  
 ماندگی از سوی و آن تکامل عینی که جامعه در زمینه های صنعت ، بازرگانی و کشاورزی ، شهر سازی ،  
 راهداری ، سبب ماس ، کشتی رانی و غیر یافته بود تضاد بزرگی بوجود آمده بود . این تضاد در  
 غناوتهای فاحش که بین ده و شهر در این دوره به چشم میخورد ، انعکاس مییافت . بطور خلاصه  
 صورت بندی اجتماعی و اقتصادی جامعه پارتها را میتوان بصورت زیرین ترسیم کرد :

در این دوره هنوز از برده در امر تولید استفاده میشد و برده داری مثل گذشته مرسوم بود .  
 بنظر گریشن ، ابزار تولید در این دوره تکامل چندانی نیافت و وضع کشاورزی و کشاورزان که در زمان  
 سئوکیمیا بر اثر ترقی نسبی تکلیک و وسائل کاروبه بهبود بود در زمان اشکانیان راه انحطاط پیمود .  
 در این دوره مشخصا پنج طبقه در صحنه اقتصادی - اجتماعی ایران مشغول فعالیت بودند :

۱) فئودالهای بزرگ و برده داران

۲) صاحب زمین امر نظامی و کشوری و روحانیون

۳) طبقه متوسط شامل مردم آزاد شهرها ، پیشه وران و خرده مالکان

۴) روستائیان و

۵) بردگان

بنظر کلی در دوره پارتها مالکیت زمین و برده در موقعیت اجتماعی ، نظام اداری و ثروت و  
 درآمد اشخاص را اندازه ندادند تا آنجا که بین ۱۰۰ تا ۱۰۰۰۰ بازی میکرد . خرده مالکان و روستائیان صاحب  
 زمین بطور مستقل زمین خود را کار میکردند ، زیرا آن هم برای عمده مالکان و هم برای خرده مالکان -

عبدالداران جزء مالک دودمان بود و پسر او بود. طبقه فئودالهای بزرگ را هفت خانواده بزرگ تشکیل میدادند. بعینده گنیمتس در این دوره در ایران و خرد و مالکان بخدمت فئودالها درآمده و با راه شهر را در پیش میگردند. نیروی توانمندی که بیشتر از حق استخراج آن به پادشاه ععلق داشت و بدین ترتیب نوع توزیع زمینها را تعیین میکرد. بر حسب توزیع حداقل مایحتاج برده و رحمت بود. بطور کلی میتوان گفت که در زمان تاریخ ۱۰۰۰ ق.م. در ایران نوع رجعت به گذشته بود. یعنی در این دوره با اینکه خود الیسم نظام عالی بزرگتر از سایر دوره ها بود، زیرا خواهشیان که شکل پیشرفته تر فئودالیسم سلطنتی یا دولتی بود. در دوره اشکانیان فئودالیسم مرکزیت نداشته و بالطبع جبهان خاندانی و بساطت فئودالی شکل اصلی قدرت سیاسی کشور را تشکیل میداد.

۲۲

زیم فئودالی با پادشاهان پارتیست بر سر قدرت هفت خانواده بزرگ از جمله اشکانیان بود. بعهد از آن زمان، اشراف کوچکتر قرار داشتند. شاه در رأس طبقه ممتاز قرار داشت. و سلطنت بر خلاف دوره هخامنشیان، محدود بود. اگرچه این محدودیت را از نخبای سالخورده و روحانیون بزرگ تشکیل شده بود و رأی اعضای دگر خانواده، از بالای تاندان سلطنتی تعیین کننده پادشاه بود.

پارتیان صاحب مدعیان بودند و به ادیان و معتقدات ظل مخطفه دیده شامل صیگرستند. و به همین دلیل متحدا و در انون زمینها را به آنها به دیده دشمن بزرگ صیگرستند. بنا بر این دین زرتشتی در این دوران نسبت به دیگر دینها، احترام - احترام - و پرستش فرور مستحیل شد. و پس از زمان بلاشاول، گردآوری اوستا و احیای کیش بزرگ، بسط بشکل سنتی آن دوباره رواج پیدا کرد.

در این دوره بحالت معاشرت و ازدواج های فراوان بین دو قوم ایرانی و یونانی فرهنگ الناطقی نبودن بوجود آمد که کاملاً از فرهنگ یونانی متمایز بود. این فرهنگ الناطقی بیشتر در شهرها و بساطت منطقه حاکمه آن زمان مرسوم بود. در این دوره بجز زبان یونانی، زبان پارتی که یکی از لهجه های شمال غربی ایران بود رائج بود که در تمدن آن خط آرامی مورد استفاده قرار میگرفت. زبان و خط یونانی همچگاه در قلب مردم نفوذ نکرد و در اواخر دوره اشکانیان در نتیجه توسعه و نفوذ پارسها و رشد آئین زرتشت، زبان پهلوی و خط آرامی جای زبان یونانی را گرفت. هنر پارتی نه تنها حاکی از نفوذ قبلی هنر یونانی در هنرهای ایران زمین است، بلکه گواهی بر پیدایش هنری نوین و مستقل است که

سنتهای هنری هخامنشیان و موضوع و روش تزئین صخره نشینان شمال ایران را در خود نهفته دارد \*

هنر ایران در عصر پارتیان تلفیق بیچ در بیچ از خصوصیات هنر ایرانی و ویژگیهای دیگر کشورهای باستان  
۲۳  
است \*

ایران در دورانی که تا اینجا مورد بررسی قرار گرفت مراحل متعددی از رشد صورت بلندی اجتماع اقتصادی و فرهنگی خود را پیچوده و دچار تغییر و تحولات گوناگونی قرار گرفت. در این دوران کسین های اولیه که به خود مختارهای روستایی تکامل یافته بودند به اجتهادات برده داری تبدیل گشته و در جریان تاریخ به اشکال تکامل و پیشرفته رشد یافتند. در عصر هخامنشیان قدرت پادشاهان در رابطه با زمین داری استوکرسی متحدتر و متمرکزتر شده و بسط یافت. بعد از سرنگونی رژیم هخامنشی و نفوذ فرهنگ هلنی و یونانی مابین شهرسازی و زندگی متمرکز شهری رونق کامل یافته و تضاد بین شهر و ده در مهد سلوکمان تشدید یافت. سمرقند به اجتهاد و عناصر فرهنگ و عوامل تمدن ایرانی از آن جمله تکامل خط و ادبیات در دوره اشکانیان رشد چشم گیری پیدا کرده و زمینه را از هر جهت برای استقرار و تثبیت نفوذ الهیزم متمرکز و بعدها دولتی در فلات ایران فراهم ساخت \*

تثبیت نفوذ الهیزم دولتی در دوره ساسانیان (از ۲۴۴ تا ۶۴۲ بعد از میلاد)

جامعه ساسانی اختلاط از دو جامعه اشکانی و هخامنشی بود. سیستم دولتی داری و قدرت نامحدود پادشاه، نفوذ دین، مذهب و مذهب، دستگاه دولتی و وابستگی به سنتها آنرا به جامعه هخامنشی بیشتر از جامعه اشکانی شبیه ساخت و تقریباً معنای دیوانه آن دوران بود. ولی از سوی دیگر این بت تکرار معنی جامعه هخامنشی نبود بلکه وارث فرهنگ مادی و معنوی مفرح تر شده دوران هلنیستی سلوکمان و روحیه استقلال طلبانه عصر پارتیان بود که خود این فرهنگ مادی و معنوی مرکباً در همه زمینه ها با هم به پیشبرد و مفرحتر میکرد. بدین جهت تکامل تولید کشاورزی و پیشه روی بسط شهرهای بین همراه با گسترش جاده های ارتباطی و تشدید جریان تقسیم کار در صنعت و کشاورزی و دامداری وسیع مبادله بازرگانی داخلی و خارجی و رونق صنایع و نساجی در این دوره تکامل قابل ملاحظه ای یافت. در این دوره جامعه ایران که به جهت وجود سیستم کاست ماند و عناصر مدحت فقر و ثروت در اثر وجود استبداد شاه در اثر رقابت دانش درونی اشرفیت، در اثر سنگینی بار خراج و اشتهای پاهان ناپذیر خزانه شاهی، در اثر هجوم و جنگها با همسایگان شرقی و غربی هر چند یکبار

دچار بحرانیهای لرزاننده مثل قحط مردم در دوران جنبش طای و مزدک میشد ولسی جامعه و طبقات حاکم بعد از مدتی بحران به حالت عادی برگشته و به توسعه خود ادامه میداد. ۲۵

فعالتهای صنعتی و تجاری نیز در این دوره هم در داخل شهرها و هم در حوزه قدرت نفوذالها صورت میگرفت یعنی در داخل املاک بزرگ، شهر از کشاورزان، عده ای بنجار و آهنگر و نساج و غیره برای تامین احتیاجات ارباب و سایرین مشغول بنکار بودند. هم از این نوع صنایع کوچک، در داخل شهرها غالباً تحت نظارت دولت، کارگاهها و کارهای پدی بزرگی برای دربار، قشون و مردم شهری مشغول بنکار بودند. تجارت خلیجی رونق و رواج فراوانی داشت. تجارت بیشتر از پیش تحت نظارت دولت بود و

دولت نه تنها به امنیت و آرامش مابین ترجمه داشت، بلکه جاده های کاروان رو و وسائل حمل و نقل و ایستگاهها و کاروانسراها و سایر احتیاجات بازرگانی را مورد بازرسی و مراقبت قرار میداد. و عده ای از عمال خود را برای نظارت در کارهای تجاری و اقتصادی به مناطق سرحدی و بنادر مفرستاد. ۲۶

در این دوره اکثریت مردم از هر نوع مالکیت بر وسائل تولید بی بهره زمین محروم بودند. و زمین حاصل عده تولید بود و برده اهمیت کمتری نسبت به دوران قبل بعنوان ابزار تولید داشت.

در دوره ساسانیان، مانند قرون گذشته، در جامعه ایران اختلاف شدید طبقاتی وجود داشت چون در زمان تسلط اسکندر و جانشینان او، هرات و سنن طبقاتی اندکی سستی گرفته بود. ساسانیان برای حفظ موقعیت هر یک از طبقات، سیاست تویض پیش گرفتند و سعی کردند که موقعیت هر یک از طبقات مشخص گردد و بجای و اشراف کاملاً از طبقه متوسط و توده های زحمتکش مجزا گردند. ۲۷

در دوران ساسانی سنت پرستی و اشرافیت (استوکراسی) به سبک ایرانی رواج کامل یافت. هنوز برده داری رایج بود و برده تنها خانگی نبوده بلکه او در کار کشاورزی نیز اشتغال داشته و بسا ملک نیز به فروش میرسید. بطور کلی ارتقا از طبقه ای به طبقه دیگر مجاز نبود ولی گاهی استعفا اتفاق می افتاد و آن وقتی بود که یکی از پادشاهان "اهلیت" و هنر خاصی نشان میداد. اگر آن شخص در "پارسی" آزرده بود، وارد طبقه روحانیون میشد، و اگر شجاعت و قوت داشت وارد لشکریان میشد و اگر در "غل" سناز بود وارد جرگه دبیران و بیروکراسی دولت میشد.

در ایران تقسیم جامعه به طبقات به طرز بازرگی وجود داشت. بهره کشان بطور کلی صاحبان اراضی بودند و استثمار شدگان کسب از لحاظ وضع مالی و میزان تابعیتشان در مقابل

ساحبان اراضی متفاوت بودند • روستائیان بودند که از اراضی مالکین بر جای اجاره بندی استفاده میکردند. ۲۸

در این دوره • مالکان بزرگ اراضی خیلی متقدر گردیدند و مالکان کوچک مجبور بودند برای رفع بحران اقتصادی و تعدی دولت خود را تحت حمایت مالکان بزرگ قرار دهند و این "بخه ها" و بزرگان حمایتش مالیات را جمع آوری کنند • دولت که بدین وجه جمع آوری مالیات ها و عوارض برایش تسهیل شده بود تا حدی به فئودالها وابسته گردیده و سعی آن برای پامان دادن نفوذ "امهان" حیر به شکست میشد و قدرت "بزرگان" به آن حد میرسید که پادشاه از نظر نظامی و مالی بدانها وابسته میشد • برای نمونه میتوان از قباد نام برد که بالاخره از اشراف شکست خورده و مزدکیان را تبع و تبع کرد • در این دوره املاک بزرگ بصورت موسسات محدودی در آمده و قسمت اعظم آنها به اجاره واگذار شدند • روابط تولیدی این موسسات بسیار شبیه به روابط تولیدی فئودالسم نوب اروپائی صنی بر اقتصاد خودکفائی شد • در این زمان مالکان دیگر در شهرها سکونت نکرده بلکه در املاک خود و در مواضع مستحکم سکن گزیدند بطور کلی • طبقات در این دوران عمارت بودند از :  
۲۹

۱- شاهزادگان • امرا • روحانیون و فئودالهای بزرگ

۲- دبیران دولتی و صاحب منصبان لشگری

۳- پیشه وران شهری و خرده مالکان

۴- رتایا یعنی اکثر کشاورزان در دهات • بردگان و روستا نشینان

اعضا • خاندان سلطنتی دارای اراضی وسیع و نخلستان ها و باغهای میوه بودند • شاه گاه بجای طوری و مستعری زمینی را بطور مادام العمر و عروشی در اختیار سرداران و کارمندان میگذاشت • هفت خانواده بزرگ صاحب زمینهای بسیار بودند • اشراف کوچکتر زمین دار نیز وجود داشتند که شاهان ساسانی گاه برای مبارزه با اشراف و فئودالهای بزرگ سعی در تقویت آنها داشتند • مالکین بزرگ با استفاده از قدرت خود سعی در نابودی مالکین کوچکتر کرده و در نتیجه مالکیت بزرگ فئودالی در حال بلوغ و شکل بود •  
۳۰

در این دوره تنوع بسیار نامعادله بود • ابوشیروان در پی وصول خراجی ثابت بود که بر میزان زمین تکیه داشت و روش کهن را (که هر سال میزان محصول را برآورد کرده و به نسبت آن خراج میگرفتند)

نمی‌پسندید در دولت ساسانی، مثل دولت روم، گشایشان وابسته به دولت در مقامات بالا از پرداخت مالیات معاف بودند. اگر کسی خراج را نتوانست بپردازد و دیگری آنرا بپردازد، زمین از آن خراج دهنده می‌شد و صاحب زمین بده خراج دهنده می‌گشت. این امر باعث گردید که دهقانان نهادهای بی‌سهمی و بی‌سهمی را در مقامات خود می‌دیدند و در قحطی بگریه می‌پرداختند.<sup>۳۰</sup>

سلطنت ساسانی تا مرگ شاپور دوم با نهایت قدرت فرمانروایی می‌کردند. با مرگ شاپور دوم دیگر فتودالهای بزرگ در مقام تجدید نفوذ قدیم برآمده و بنیاد تمرکزی را که به سمت اردشیر ایجاد شده بود متزلزل ساختند.

پادشاهان اوایل سلسله ساسانی جایگزینان خود را شخصاً معین می‌کردند و با قدرت فرمان می‌راندند ولی پس از آنکه قدرت سلطنت ضعیف گردید، نفوذ روحانیان و نجبا افزایش یافت. پادشاه دیگر جانشین خود را انتخاب نمی‌کرد بلکه پادشاه از میان درودمان ساسانی طبق نظر عالیترین نمایندگان طبقات روحانی و جنگیان و دبیران انتخاب می‌شد و در صورت بروز اختلاف نظر بین عهدان قطعی بود. در دوران ساسانیان جاسوسان نقش مهمی داشتند. سمت جاسوسی اغلب به عهدان بدین پست و بسا روسای محاکم واگذار می‌شد. ظاهراً عهد خسرو اول سازمان جاسوسی در ایران ایجاد گشته و وسعت یافت. در واقع دولت نماینده طبقات فتودال و قشر روحانی بود و بخوسوس از دوره ای که قدرت مرکزی ضعیف شد، شدت وابسته به طبقات فتودال گشت. تضادهای نهادهای بین شاهان و فتودالهای بزرگ بوجود آمد که گاه عجز به قتل شاه و یا برکناری او می‌کردند. مثل کودتا بر علیه قباد و شورش اشراف بر ضد هرمز چهارم و برکناری بلاش و کور کردن او.<sup>۳۱</sup>

خسرو انوشیروان که بعد از قباد به سلطنت رسید با تلاش زیاد توانست وابستگی فتودالها و نجبا را به شخص خود بشعر گرداند. ولی پس از او دوباره فتودالهای بزرگ قدرت گرفته، حکومت و شاهان بدانها وابسته گشتند. خواهم دید که چگونه رشد این تضاد در داخل طبقات حاکمه شروع فساد در دربار شاهان، ظلم و جور نسبت به اقلیت‌های قوی و مذهبی، بالاخره از چگیری مجازات اسلامی در منطقه باعث زوال و انحطاط و واگرایی امپراطوری ساسانی گشت.<sup>۳۲</sup>

دین که در دوره اشکانی بصورت مذهب اهور مزدا - ناهید - مهر بود - سرانجام در دوره

ساسانی طبق آیین زرتشتی به یکتا پرستی (مجهز به قواعد فقهی و شرعی و اصول کلام) تکامل یافت. ولی پس تخت و آتشکده پیوسته نبرد سختی بود و شاهان ساسانی گاه با تکیه به شورشها و گناه با تکیه به طبقات ناراضی میگوشتند که از قدرت مهدان و مهردادان بنگاهند. دین زرتشت از هنگام هخامنشیان تا دوران ساسانیان دچار تحولات فزاینده شد و در این دوره در آن رفویم هائی بوقوع پیوست و اوستا مورد جرح و تعدیل های زیادی قرار گرفت. در دوره ساسانیان واکنش بر ضد یونان مابسی شاهان سلوکی و حتی اشکانی رشد کرد. شاهان ساسانی به تظلمت مزدیسنا به طایفه کهنرولی در واقف بعنوان حربیه تسلط خود پرداختند و کوشیدند تا با رفویم در آن و گرد آوردن قصور و احادیث و حتی عظیم طولوی اجتماعی عهد مهدان و فقه زرتشتی آنها در قبال هجوم مذاهب جدید ما بسوی مزدکی، مسوی، یهودی، و غیره مسلح نمایند. این رسانس مذہب توانست چند صاحب به عبیر امپراطوری اضافه کند. ولی عوامل ذهنی و شرایط معنی در ایران و در حفظه اوضاع را در جهت سقوط جامعه ساسانی تدارک میدید. در دوره ساسانیان بعننت اختلافات شدید طبقاتی، تضاد های طبقاتی و مجاززه اوج گرفت. مذہب زرتشتی که ایدئولوژی طبقات حاکم را منعکس میساخت، از توده ها مجزا شد و در نتیجه مردم به مذہب مزدک، که تخییلات کهنی را در جامعه اخلت عدالت و برابری و نوی اصول اشتراکی و دسته جمعی را شعار خود قرار داده بود، پیوستند.<sup>۲۴</sup> پس از نابودی و طمع و قسح مزدکیان در زمان انوشیروان، این ایدئولوژی جنبه منفی یافته و بعد ها حتی در دوره تصرف ایران توسط اعراب، معتقدان به این ایدئولوژی انقلابات بزرگی را براه انداختند.<sup>۲۵</sup>

در زمان ساسانیان بدون شک اکثریت قاطع مردم یعنی طبقه عظیم کشاورزان، بی سواد بودند ولی به احتمال بسیار قوی دهقانان (دهقانان) که طبقه میانه حال و صاحب زمین بوده اند و مقام سرپرستی بر کشاورزان را داشته اند، مختصر سوادی داشتند. علوم و دانش های زمان در انحصار مغان و پهلویان مذہبی بود. در دوره ساسانیان بخصوص در ۲۰۰ سال آخر آن دور ان آثار ادبسی و بنامین حماسی بسیار وجود داشته که امروز بقدر بسیار قلیلی از آن بجا مانده است. جماعت زیادی از شمار شهرها لااقل قرائت و کتابت و حساب را میدانستند ولی عامه مردم بیسواد بودند.<sup>۲۶</sup>

در مدرسه طب چندی شاپوره که پس از انقراض ساسانیان در دوره اسلامی نیز مرکز اشاعه طب بود، طب ایرانی و یونانی و هندی در هم آمیخت و دانش طب پیشرفت کرد. بزوجه از طبیبهای مشهور اینسن



از صنایع مهم این دوران ، صنایع فلزسازی ، ابریشم بافی و حریر بافی بود . شهر سازی نیز مورد توجه زیادی قرار گرفت . موسیقی ایرانی نیز در این عهد رشد و نفوذ زیادی یافت . بارئد از جمله موسیقیدانان این زمان است . نقاشی نیز رواج یافت بطوریکه میتوان از نقاشان بزرگ این زمان مانی و اثر او کتاب ارژنگ را نام برد . بازی شطرنج که در این عصر از هندوستان به ایران نفوذ کرده بود رونق یافت . ظهیرم این پیشرفتها ، در دوره ساسانیان فزاینده ای مردم ایجاد نکرد . ظلم طبقاتی و فساد فرهنگی باعث بروز طغیان های روستایی و ظهور بهامران راه رهایی گشت . جنبش مزدکمان معروفترین این طغیان ها در این دوره است .

خواجیه نظام الملک در کتاب معروف خود به اسم سیاستنامه تقریباً کلیه شورشها و جنبشهای پیرا از دوره مزدک را به نفوذ اندیشه های مساوات طلبانه و اشتراکی او مربوط میداند . تمام کودکشاهیان در خوزستان و فارس و کردستان (پروان ابوسلم خراسانی) ، جنبش سید جامگان (پروان طنج) و بالاخره تمام مایک خریدین در آذربایجان و غیره همه متأثر از تعالیم مزدک بودند . جنبش مزدک از این جهت که برای نخستین بار شعار مساوات طلبی و خواست اصلاحات اساسی سیستم مالکیت را به پرچم یک شورش وسیع اجتماعی در یک امپراطوری پهناور بدل ساخت ، تمام حوزه ای در تاریخ ایران دارد .

با اینکه جنبش مزدکمان نتوانست رژیم ساسانیان را سرنگون سازد ولیکن در اندک مدتی بعد رژیم فرسوده و پوسیده ساسانی در مقابل ضربات اسلام از پای درآمد و جامعه ایران وارد مرحله نویسی از تاریخ نظام اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی خود گشت .





فصل دوم :

ایران از دوران اشاعه اسلام و تسلط

اعراب تا ظهور نیرو های استعمار گستر

( از ۶۳۷ تا ۱۸۲۸ )

مقدمه

قبل از اسلامی شدن ایران ، اکثریت ایرانیان پیرو آئین زرتشتی بودند و ایران با صحر و هندوستان و چین و بن النهرین تمدنهای پنج گانه عصر باستانی را تشکیل میداد . در زمان دولست هخامنشیان بعد ها در عصر ساسانیان ، ایران از نظر ارضی گسترش بیشتری پیدا کرده و از نظر امور اداری و اقتصادی در تحت یک سازمان واحد کشوری به یک امپراطوری بزرگ در شرق تبدیل گشت . در گیری ایران در جنگهای مداوم با روم و قبایل آسیای مرکزی و شرق ، شیوع فساد در دربار ساسانیان و اجحاف اقوام فارسیه اقلیتهای قومی دیگر و سرکوب و خشایه جنبشهای حتری - اجتماعی مثل مانیان و مزدکیان ، جامعه ایران را دچار بحرانهای مختلف اجتماعی ساخته و زمینه را برای نفوذ ایدئولوژی حتری و دینلیک اسلام آماده کرد . گفته شده است که آئین اسلامی بطور قابل توجهی حتر قبل از حطه اعراب به ایران مورد استقبال و پذیرش بوده های تهدست شهری و رماهای ایرانی قرار گرفته بود . و این امر نقش بسیار مهمی در شکست ارتش مهمیز ایران از قشون اعراب در سنگرهای قادسیه ( ۶۳۷ میلادی ) و نهاوند ( ۶۴۱ میلادی ) بازی کرده است .<sup>۱</sup>

اشاعه اسلام و تسلط اعراب

بعد از تسخیر ایران توسط اعراب و اشاعه بیشتر ایدئولوژی اسلامی ، ایرانیان در رشد علوم و امور اداری سلطنتی نقش مهمی را در اسلام آن زمان ایفا کرده . در این دوره که تقریباً دهست سال طول کشید ( از ۶۴۱ تا ۸۲۱ میلادی ) اسلام دچار تحویل و تحول گشت . نیروهای حتری که دارای خط شی برقی و طرفدار زحمتکشان و مظلومین بودند شکست خورده و در محس ابر و خلفای طرفدار امیرا

طوری و قدر قدرتی تسلط پیدا کرده و بتدریج از اسلام بعنوان حربه علیه اقوام و توده های زحکشت در کشورهای نهرین جهت استعمار و ظلم بیشتر استفاده کردند \*

از خصوصیات دیگر این دوره که با گذشته و سن فرهنگی و تمدن قدیم ایران در تضاد بود روح زبان عربی بعنوان زبان دولتی و لسان کسب طیفه حاکمه بود \* چون اکثر نویسندگان و شاعران و مورخین آثار خود را نه به زبان فارسی بلکه به زبان عربی مینوشتند در نتیجه به درد و غم زندگی و خواسته های اقتصادی و استقلال طلبانه توده ها توجهی نمیکردند \* در این دوره \* جهان گسراشت ایران به نظام فئودالیسم (که در زمان ساسانیان رشد کرده بود) پس از تسلط اعراب نیز ادامه یافت \* مالکیت دولت بر اراضی نوین از مالکیت فئودالی زمین بود \* دولت در واقع در دست حکام عربی بود و آنها خود در شرف تبدیل به زمین داران بزرگ جدید بودند \* در این دوره با اینکه عده کثیری برده وجود داشت \* ولی شیوه اصلی تولید مبتنی بر برده داری نبود \* عده زیادی برده در املاک بویژه در بخش آبیاری مصنوعی و دیگر کارهای پر زحمت مشغول بکار بودند \* در زمان تسلط اعراب مخصوصاً ما در دوران امپراطوری عباسیان \* در ایران تطایلات فئودالی بیشتر از همه چیز در تعامل شکلتهای فئودالی مالکیت زمین و آب تجلی کرد \* در کنار اراضی دولتی \* اراضی متعلق به مالکین خصوصی ادمقانان یا "کنک" قرار داشت که صاحبان آن طبق حق مالکیت بلا شرط ارضی از آن استفاده میکردند \* روستاییان در روستاها متمرکز بوده و به جهت کمی مقدار زمین نمیتوانستند برای تمام اعضای خود بقدر کافی زمین تهیه کنند و چون روستاییان اکثراً نمیتوانستند از زراعت دست بکشند \* در نتیجه عده مستاجرین بیشتر و بیشتر میشد و اینان برای مالکین بزرگ کار میکردند \* علاوه بر قتلت زمین مالکین روستاها بهان بی زمین بوده و افزایش خراج و تشدید بیخاری که از طرف مأموران حاکم به روستاییان تحمیل می شد \* وضع روستاییان را دشواری ساخت \*

در این دوره بتدریج در ایران توده های زحکشت روستایی و تهیدستان شهری دست به قیام های متعددی علیه جور و ستم ملاکین و حکام ظالمی چون حجاج بن یوسف و دیگر فرستادگان بنی امیه و بنی عباس زدند و کوشش کردند که ایران را از یوغ وابستگی به امپراطوری بغداد رها سازند \*

این خیزشها که نزدیک به یک قرن و نیم (از ۷۰۰ میلادی تا ۸۲۷) بطور مداوم رخ می داد \* نتوانست بساط امپراطوری بغداد را در ایران برچیند ولی زمینه جنبش و سنتی بسیر مهیبی را در ایران

بوجود آمده که بعد ها شرایط ظهور و رشد دولت های مستقل ایران را تسهیل ساخت \*

در اینجا باید از قیام های ابوسلم خراسانی و سجاد خراسانی \* اسحق ترک و عبدالله ابن خنیس  
 ا رهبر بخت سید جامگان خرم دینان (بعنوان نمونه های برجسته از این حرکات استقلال طلبانه  
 نام برد . ۴ بدون شک این حرکات با ظهور و مبارزات بایک خرم دین (رهبر بخت سرخ جامگان خرم -  
 دینان ) به اوج خود رسید \* بایک مظهر استقلال طلبی قوم ایرانی و دشمن انقباد طلبان و تسلط بغداد  
 بر ایران بوده است \* شاید بجا باشد که در اینجا بطور مختصر به شرح زندگی سیاسی و مبارزات  
 استقلال طلبانه این چهره درخشان تاریخ ایران بپردازیم \*

سرزمینی که بایک در آن زندگی کرده و از آنجا بمبارزه طبع تسلط بغداد پرداخت عطفه شمال  
 غرب ایران آنروز را تشکیل میداد \* این عطفه بوسیله رودخانه ارس بدو بخش تقسیم میشد \* بخش  
 شمال آن بنام آران (آذربایجان شوروی فعلی او در بخش جنوب آن بنام آذربایجان (آذربایجان فعلی  
 ایران ) خوانده میشدند \* این عطفه تقریباً شامل نوس میرد \* اردبیل \* دشت مغان \* حوالی رود  
 ارس \* اردوباد \* جلفا \* نخجوان کنونی بود \* پایگاه بایک در کوهستان بزد در ناحیه شمال کوههای  
 سیلان بود \* به جهت سردی هوا در اکثر مواقع سال و وجود گرد نه های سمب المپور \* فال و سازهایی  
 خلیفه بغداد نزدیک به شش سال نتوانستد بر بایک دست یابد \* ۵

ابوحنیفه دینوری \* نویسنده اخبار الطوال درباره نسب بایک میگوید : آنچه بر من درست آمد  
 وثابت شده اینست که او از فرزندان مطهرین فاطمه دختر ابوسلم بوده است \*<sup>۱</sup> ولیکن مورخین بر آنند  
 که بایک در " بلال آباد " یکی اودیه های روستای صبه آذربایجان در خانواده ای روستایی در سال  
 پانزدهم \* وجود گذاشت \* پدر بایک رومن فروش بود و چند سال بعد از تولد او در کوههای  
 سیلان کشته شد \*

در این زمان بین دو نفر از مخالفین عطفه جاهدان پسر شهرک و ابومهران بر سر مالاری کوهستان  
 بزد مبارزه در گرفته بود \* قوای این دو جهان بهار و تابستان بمکنگ طبعه عمدتاً بر سرخواستند ولی در  
 زمستان بجهت سردی هوا و برقراری سنگین جنگ متوقف میشد \* غرض از روزه های زمستان که جاهدان  
 پسر از فروش کوهستان خود از زنگنه بسوی کوهستان بزد بر میگشت به جهت سردی شدید هوا در خانه  
 مادر بایک فرود آمد \* جاهدان شیدا تحت تأثیر هوشماری بایک جوان فرار گرفت و او را با خود بسمه

کوهستان بد برده و بنکار گله داری و اسب چرایی گماشت \*

در بربردی که بین جاهدان و ابوعمران در گرفت جاهدان موفق شد که ابوعمران را بکشد ولیکن خود نیز که زخمی شده بود جان سالم بدر نبرد \* باینکه باین جاهدان ازدواج کرده و بدسوسله مسوان سالاری کوهستان بد را کسب کرد \* باینکه در اندک مدتی روستائیان بی زمین و بخشی از " دیقانان " را با خود طایفه بغداد هم آواز ساخته و در سال ۱۹۲ هجری طایفه بغداد قیام کرد \* در این زمان مأمین الرشید خلیفه بغداد بود \* مأمین چون به کوشش بعضی از ایرانیان چون برادران برکتی رسید خلافت رسیده بود و در ضمن مادرش نیز اهل خراسان بود خواست از طریق مسالمت آهیز و طرق نهر جنگی بر باینک فائق آید \* ولیکن باینکه زیر بار نفرت و ناز از این شرایط در جهت تسبیح بیشتر توده های روستا های کوهستان بد طایفه بغداد استفاده کرد \*<sup>۷</sup>

پس از مرگ مأمین و جلوس هشتمین خلافت نفوذ ایرانیان در دربار بغداد رو بکاهش نهاد و رقابت های شدیدی بین ایرانیان با نفوذ در گرفت تا فئین شاهزاده ایرانی در تضاد آشکار با ظاهران اول کوشید که باینکه و مانهار \* یکی دیگر از مآثرین استقلال طلب \* را با خود هم آواز سازد \* افشین به آئین آستان ایران سخت پای بند بود ولیکن برای اینکه حکومت خراسان را بدست گیرد به قدرت خلیفه در بغداد تکیه کرد و بدین وسیله در مقابل باینکه استقلال طلب \* به وابستگی پناه برد \*

خلیفه بغداد که در بربرد خود طایفه باینکه عاجز مانده بود به افشین قول حکومت داد و افشین نیز مأموریت سرکوبی جغتو باینکه را بعهده گرفت \* فرماندهان محلی بغداد عموماً به آسانی فریب تهاجم و گریز و خبشتمی ناگهانی باینکه را می خوردند و او را به حوالی قلعه معروف بند در کوهستان تعقیب میکردند و در آنجا باینکه با شیخون سپاهیان آنها را تار و مار میکرد و با استعمال آنها را بعهده سرسای سوزان و برفهای سنگین و یخی کوههای سیلان و ا بگذاشت. لیکن افشین وارد به جغرافیای جنگ بود و در حالیکه با باینکه احتیاط نشان داد \* در وجود افشین جدالی جان روحیه صیبن پرستی او از یک طرف و حسرت پرستی از طرف دیگر در جهان بود \* این دو دلی در افشین چنان تشدید یافت که افسران ترب را باینکه انداخته آنها محرمانه به خلیفه معتم نامه نوشتند که افشین بمسائلتا با باینکه هم آواز است و صدا از حلقه به نیروهای باینکه که در قلعه بند معامره شده بودند خوداری میکند سلطنت افشین بخواست براهی نهر از خشونت باینکه را بتسلیم وادارد ولیکن افشین باینکه را آنطوری که

باید شناخت • بایک صمصام بهارزه تا باخر یعنی استقلال ایران از یوغ بغداد بود ولی افشین تصور میکرد که میتواند باقول و قرار بایک را وادار به صلحه سازد • حتی به همین منظور افشین ترتیب ملاقاتی را با بایک داد • در این ملاقات بایک به افشین گفت که " من به خونخواص تمام رادمردان که خلفای بغداد بقتل رسانیده اند قیام کرده ام و خواهم کوشید تا این خلافت را برهم زیم و ایران را از اسارت نجات دهم " ۸

ولی این سخنان بر افشین تاثیر عمیق گذاشت • بعد از صف آرائی صحیح جنگ بین لشکران افشین و نیروهای بایک در گرفت که بشکست بایک منتهی شد • این شکست بایک را ختواری ساخت او سالها به جنگ و گریز ادامه داد و در این بردهم زیم دیرتر مازار • که در این موقع در مازندران علم طغیان علیه ملائکین و حکام بغداد برافراشته بود • او را حمایت کرد • این اسفندیار در تاریخ طبرستان می- نویسد که بایک • افشین و مازار علیه حکومت عرب باهم بیعت کرده بودند آغاز ماهیت افشین بجنگ بایک در سال ۲۲۰ هجری قمری بود و وی تا سال ۲۲۳ در آذربایجان با بایک جنگید تا سرانجام وی را بقریب گرفتار کرد • ۹ بایک بعد از دستگیری به بغداد آورده شد • خلیفه محتسب • که دشمن صفتی نسبت به بایک در دل داشت • فرمان داد که بعد از شکنجه بقدریج دست و پاها بایک را قطع کنند و سپس بیکر او را در نزدیکی شهر سامره برطنی که بعدا به " کینسه بابک " مشهور شد بدار آویزند •

در بسیاری از منابع تاریخی بایک را پیرو کیش خرمی یا خرپدین معرفی کرده اند • خرم دین از نظر لغوی بسیار نزدیک به بهدین است که کنایه از آئین زرتشتی است • از طرفی دیگر خرم دینان را گروهی از پیروان مزدک در بعد از اسلام دانسته اند • در بعضی اسناد که اکثریت دارد خرپدین را بنامند اسماعیلیان از باطنیان یا فرقه باطنیه محسوب داشته اند • لفظ باطنی بقرار معلوم اصطلاحی بوده است برای همه فرقی که تعلیمات خود را بطور مخفی و پنهان میداده اند و از فرسوشین و نیروهای اسلام نما اشکارا تبلیغ نمیکرده اند • مطابق این تعریفه تنها بایک بلکه دیگر جانیان راه ایران مستقل را که مخفی کاری میکرده اند باطنی خوانده اند •

سید حمزه رازی میگوید : " بدان که این قوم (باطنیان) را در هر موضعی بقلبی خوانند : در بلاد اسپهان و نواحی آن خوجه و در قزوین و ری مزدکی و سنبلادی و در ماهین (نواحی غرب ایران) -

سرزمین مادها امحمره و در آذربایجان قولیه و در ماد در النهر مغان " ۱۰

حماضی که در فصل اول این کتاب اشاره شد در ایران قبل از اسلام هیئت خاصی نداشتند و طایفه‌های مزدک و اندیشه‌های مساوات طلبانه او برآید انداخته و رژیم ساسانی بخصوص بعد از خسرو انوشیروان تحلیفات ضد مزدکی را بخرمیتیم محتمم تعلم و تربیت خود قرار داده بود. با توجه به اینکه افکار و مبارزات سائت در جهت اخراج قدرت ساسان از ایران بود در نتیجه رژیم ضد مزدکی بنسداد بین مردم بابت را بداشتن مذهب مزدکی و "زندیق" و باطنی قتلیم کرد تا ایرانیان هم از زشتی با سلطان ما و مزدک بشوند و از او بپروی نکنند.

همان‌طور که جناب جناب: "موم مورخین از جاهلوس با خرمیا تمسک و شاید عدم اطلاع و تقلید از دیگر سائت را بیرو دین مزدک نوشته اند..."<sup>۱۱</sup> این درست خاطر آن بوده که جنابان را که معتصم نسبت به سائت و برادرش عبدالله و پیروان او را داشت از مردم بیخون نگذارند.

میرم این نوع تحلیفات و اتهامات خاطره سائت در بین مردم هاز نبودند و سوشوری و سوشالیسم سوشی زین و زحمتکش در کل زنده ماند. هر از گاهی طرفداران و پیوندگان راه استقلال ایران علیه حاکمین مستبد بغداد قیام کردند و سوشی مبارزان با یک را زنده نگه داشتند.

مورخین در باری و نویسندگان اسلام پناه برای اینکه کوشش و آرمانهای کوشندگان را در بین مردم بی اعتبار سازند در کتابهای خود دروغ و افتراء علیه سائت و با یکمان نوشته اند که با سرشت و خصلت مبارزان این زحمتکش در سافس آشکار است. خواجه نظام الملک طوسی. وزیر ملکشاه. که از دشمنان قسم خورده ساسانیان بود در باره خرم دینان جناب اما قاعده مذهب ایشان آنست که روح از سوشی خویش برداشته اند و تری شریعت میکنند. چون نماز و روزه و حج و زکوة و حلال داشتن حرم و سائل و زن مردمان و هر چه غیره است از آن دور بوده اند. هر که محسوس سازند تا ساضی بوم شوند ابتدا سوشی ایشان آن باشد که بر کشتن ابوسلم صاحب دولت در رخ مورند و بر کشتند. اولعتت و سوات دهند. از مذهب ایشان این قدر یاد کرده شد تا معلوم گردد که آن جماعت چه سگان حرام زاده بودند و هر چه سوشی میباشند. حق سبحانه و تعالی شروافت و شوشی ایشان را از حیطه بقاع سلسلمان دور گرداناد و حیطه را از صحبت ناشایست ایشان در حفظ و پناه خود نگاه دارد.<sup>۱۲</sup>

نویسندگان این اسناد تاریخی که اصلا اتفاق ظنی و مصالحه و ساضی در مقابل بغداد را برآ



مردم تصور میکردند این مبارزین را جزو "امامیه" یا به اصطلاح "اباحتیان" معرفی کرده اند. این افتراء بزرگی بوده که مورخین بغداد، پناه و مدارا جوینگار برده اند تا مردم را نسبت به هر گسختی و بیرواسترد دربار، استقلال ایران تبلیغ میکردند بی اعتقاد و بد بین سازند. "اباحتیان" را به عنوان قوس که همه چیز را حجاج جداسته اند معرفی کرده اند. معنای دربار، با یکسان میگفت:

ایشان همان خرمجاند - در هر سال شمس دارند که مردان و زنانشان گرد حایند و چراغها خاموش میکنند و هر مردی بر هر زنی دست یابد با او نزدیکی میکند و با این همه بد دینی یکی از شاهان پیش از اسلام خود را به ابراهیم جداسته اند که او را شروین میگفتد ولی پندارند که از محمد مصطفی منشاء علمه و سلم و پیامبران دیگر علیهم السلام تا این روزگار برتر بود و در محافل و خلوتها و مساجدشای خود بر او میگفتد و اسرار میخوانند و در کوهستان همدان جایست که آبرا شیر شروین میگفتد و طسوب باوست. " ۱۲

علیرم این اتهامات که انقیاد طلبان طرفدار بغداد و مدارا جهایی مثل خواجه نظام الملک به این مبارزین راه آزادی و استقلال ایران میدیدند مردم تحت تاثیر فرار نگرفته و از این کوشندگان پشتیبانی میکردند. چون بر خلاف بغداد و مال بوسی آن مردم ایران، بجزه روستائیان، مایک و اکثر بیروان راه او را از فرق شیعیه جداسته اند. نویسندگانی که در آن دوره جانب عدالت و حق را گرفته و مردم وار و از موضع نوده ما تاریخ نگاری کرده اند به این حقیقت اشاراتی زیادی کرده اند. ابن الندیم میگفت:

"برخی از مردم بوسلمیه (بیروان راه ابوسلم خراسانی) آرا خریدیمه میبازند و گنجد گروهی از ایشان در بلخ مستند - از سوی دیگر در آذربایجان و خاک اسفهان و کرج و لرستان و خوزستان و همدان و بصره و ارمنستان و قم و کاشان روی و خراسان هم بودند. " ۱۳

ابوالقاسم فی که در سال ۲۰۰ هجری قمری در گذشته و خود هم عصر بیروان مایک بوده است در کتاب تاریخ خود، فرق الشیعیه خریدیمان را یکی از فرق "افراطی" شیعیه دانسته و آنها را اصلا به سلطانان بیروابوسلم خراسانی ربط داده است. ۱۴

بهر حال خرم دینان نام مشترک بسیاری از فرق استقلال طلب ایرانی بودند که از اوایل قرن هشتم هجری تا پایان قرن دهم هجری غلبه ماکین بزرگ در ایران بر طبق خلافت امپراطوری بغداد برخاستند.

آنها را به بعد الی را در وجود مالکیت حفوس زمین و وابستگی به بغداد میدهند \*

این جنبشها با اینکه موفقیت بدست نیاوردند و شکست خوردند ولیکن ارکان خلافت را در ایران منزحل

ساخته و در تمام اوضاع سیاسی ایران در قرن های بعد بی تاثیر نبودند \*

### پیدایش و رشد دولت های استقلال طلب

و نوع این قیام ها طبع ظلم و جور خلفا و از بهاد روز افزون فساد دربار بغداد و ستم بر اقوام دیگر  
عوسط قدرتی های حاکمه شرایط را برای آزادی و استقلال ایران از یوغ خلفای عباس مهیا ساختند \* در  
حیران قرن نهم میلادی با ظهور طاهریان ( ۸۲۱ میلادی ) ، صفاریان ( ۸۶۱ میلادی ) و سامانیان —  
( ۸۹۱ میلادی ) اوج گیری رنسانس بزرگ ادبی و فرهنگی و ظهور شاعرانی چون رودکی و فردوسی —  
دولت های ایرانی استقلال طلب در ایران استقرار یافته و نتیجتاً ایران از حیث نفوذ سیاسی و فرهنگی  
بغداد خارج گشت \*

این دولت های خود مختار مستقل ( که هنوز وابستگی هایی به بغداد داشتند ) در سراسر ایران  
بصورت ملوک الطوائفی و خانمانی تا اواخر قرن دهم دوام آوردند \* در این مدت دوباره زبان فارسی  
بتدریج رواج پیدا کرده و مخصوصاً بعد از رنسانس ادبی و فرهنگی که بدون شك رودکی — سمرقندی نقش  
مهمی را در آن بازی کرد به زبان ملی ولسان کنی تبدیل گشت \* ولی با این حال هنوز هم به زبان عربی  
کتب مهمی نوشته میشد \* در این دوره علاوه بر آنکه ایران بصورت ملوک الطوائفی اداره میشد \* مردم  
ایران از نظر مذهبی يك نیروی واحدی را تشکیل میدادند \* اکثر زمین داران و بوروکراتها و شهر  
نشینان مرفه و بطور کلی طبقات حاکمه عموماً پیرو مذهب سنت و اکثر روستائیان شهری و بردگان پیرو —  
شعب بودند پایه های توده ای اکثر قیامها را روستائیان تشکیل میدادند و مجارزه برای استقلال و احیای  
سن فرهنگی مخصوصاً در سرزمین های سامانیان و طهمان و آل بویه قهتر از نقاط دیگر ایران بود \* ۱۶  
در پایان این دوره ( که از ۶۲۱ تا ۹۳۰ میلادی طول کشید ) ادو دیده مهم به رشد کامل خود  
رسیدند \* شناسائی اجناس از آنها به دانش ما نسبت به تمام صورت بندی اقتصادی — سیاسی ایران  
در این دوره کمک میکند \* این دو واقعه عبارت بودند از :

۱ — در طی این دوره ، نفوذ المسم بتدریج بر بقایای تطالتهات برده داری بطور قطع پیروز شد \* و بصورت  
نظام غالب ( حشوی بصورت ملوک الطوائفی ) در صحنه سیاسی — اجتماعی ایران تثبیت شد \*

۲- بر اثر ظلم و اجحافی که خلفای بغداد علیه اقوام نهر عرب و تهیدستان عرب اعمال میکردند \* در ایران مبارزات استقلال طلبانه بتدریج از نواح شرق خراسان به نواح غرب \* به طبرستان و آذربایجان گسترده شد \* این جهن که در سال ۸۲۱ میلادی در خراسان پرهبری ظاهر شروع شد \* در سال ۹۲۰ میلادی با تشکیل دولت آل بویه به نتیجه کامل رسید \*

از اواسط قرن دهم تا ۱۲۲۰ (سال آغاز حمله مغول ها) ایران در تحت سلسله های مختلفی اداره میشد ولی هیچک از این سلسله ها قادر نبود که سراسر ایران را تحت یک دولت مقتدر مرکزی متحد سازد \* در این دوره که نزدیک به ۲۰۰ سال طول کشید \* جامعه متکامل فلودالی (البته نه به شکل یکپارچه بلکه بصورت پراکنده و ملوک الطوائفی) استقرار یافت \* به عمارت دیگر در این دوره اشکال متنوع مالکیت بر زمین و آب و روابط فلودالی تقریبا در تمام روستاهای ایران بسط یافت \* در این دوره شهرهای بزرگ فلودالی مثل سمرقند و بخارا بومبود آمد \* و رشد سریع کردند \* در ظرف این سه قرن نیروهای تولیدی ایران دوران تعالی و ترقی را گذارند و زمینه مناسب شد که در آیند \* ایران تحت صفیای بصورت واحدی به یکی از دولت های بزرگ شرق زمین تبدیل گردد \* در این دوره سرودن شعر و نگارش کتب به زبان فارسی رواج کامل یافت \* ولیکن هنوز آثار بزرگی توسط ایرانیان به زبان عربی نیز نوشته شد \*

در این دوره تولیدات پیشه روی و ترقی فن پیشه وران در شهرهای بزرگ فلودالی رونق و پیشرفت کردند \* مقدار قابل ملاحظه ای از زینت و منسوجات ابریشمی تهیه شده و حتی صادر میشد \* بزرگترین و مهمترین شهرهای ایران از لحاظ تجارتی و اقتصادی در این دوره عمارت بودند از: نیشابور \* ری \* اصفهان \* سمرقند و بخارا \* در این دوره تضادهای اجتماعی شدت بیشتری پیدا کرد \* مبارزه در شهرها شکل تضادات طبقاتی بخود میگرفت \* ولیکن در واقع مبارزه بین زمین داران و اعیان \* که اغلب سنی بودند از یک طرف و تهیدستان شهری و پیشه وران که اغلب پیروان تشیع بودند ( بر سراسر مالکیت بر زمین و تدریج درآمد دور میزد \* روستائیان اطراف شهرهای بزرگ نیز به این مبارزات که معمولا در شهرها آغاز میگشت گشایند \* میشدند \*

حمله مغول ها و مبارزه بین انقیاد طلبی و استقلال خواهی

نشدید این تضاد ها از یک طرف و عدم مرکزیت واحد از طرف دیگر \* بالاخره زحمه را برای حمله

نیار مغول آماده ساخت. تسلط بر ایران توسط مغول باعث تحولات نارواش در صورتی اقتصادی  
 اجتماعی ایران شد. ولی موجب انحطاط کامل تمدن ایران نشست. رشته های فرهنگی، موزه، تاج تونس  
 در ایران ترقی قابل ملاحظه آن کرد. و زبان فارسی در آثار شکرکتاب و سرودن شعر حاکمیت پیدا کرد. در  
 این دوره مالکیت زمین در کل بدست حکام مغولی افتاد. ۱۷

در دوره تسلط مغولان که از ۱۲۲۰ تا ۱۲۲۶ طول کشید، دوره فترتی که بر مردم ایران  
 تحمیل میشد، افزایش یافت. استقلال ایران از بین رفت و ستم قوی به حد نهایت رسید. مالیه ها و سوا  
 طدد ساختن روستایان به زمین شدت پیدا کرد. این عوامل با اضافه یوغ تحمیل ناپذیر میخانه باعث شدت  
 جاززه در سراسر ایران علیه مغولان گشت. در این دوره فرار دسته جمعی روستایان (پس از نمونه های  
 جاززه فتنی شکل پاسوا در ایران پدیدار گشت. در بعضی مواقع نیز جازرات شکل قهرآمیز میانس  
 بخود میگرفت. قیام معروف سید شرفالدین در فارس (۱۲۶۵) و قیام قبیله چادر نشین لر (۱۲۹۱)  
 علیه مغولان از نمونه های برجسته این حرکات محسوب میگردد. در این دوره در همدان خط بیسگار  
 جو و توده ای دهقان، شی دیگری نیز رشد کرد که سازشکاری و انقباد قوی را تجهیز کرده و آثار  
 ادبی و فنی خود را در خدمت دربار چنگیزی و مالکین مغول قرار داده و سخت به رساندن و گسه  
 خواهان سرودن شعر و ایجاد آثار ادبی به زبان توده ها بود. خطه کرد و شاعر پراچی مثل شیخ قطار  
 تحت تعقیب قرار داده و به قتل رساند.

این شی سازشکار مشخصا بعد از تسلط کامل مغول ها بر ایران طرفداران زیادی پیدا کرد. جازرات  
 قهرآمیز توده ای مردم در زمان تسلط مغول ها در ایران به طاعت مبنی تبدیل شد. عکس العمل مردم در  
 مقابل میخانه که زمانی بیگار جهانه و قهرآمیز و سازنده بود، شکل مبنی و مسالمت آمیز و صبران سازسه  
 نمود گرفت. توده ها تحت تاثیر کهنه پرستان و شعار ارتجاعی "انقطاع از این عالم و الخاق به عالم دیگر"  
 سلاح نبرد را به زمین گذاشتند و به عزت و گوشه نشینی و دعا خوانی محض پرداختند. در این دوره  
 هیچ شاهد ظهور شاعران و فیلسوفانی است که مبنی گیری و سامحه و تسلیم را اشاعه داده و شعارهای  
 روح شدن از هر چه رنگ و "باید تن رها کرد تا پیراهن خواست" را مبنی توده ها تبلیغ کردند. در  
 دوره بجای بائیه ها، ابوسلمه ها و حسن صباح ها و فردوسی ها که انقباد قوی و فرهنگ بیگانه رازد  
 ده و به مردم راه جازرات قهرآمیز، صحن پرستی و فرهنگ توده ای را تجهیز میگردد. شاعران و نویسندگان